ادامه از صفحه ۴

اجرای فاز دوم یارانه‌ها نیاز به اعتمادسازی دارد

فشار تورم او را عصبی کرده و سیستم ایمنی بدن این نسل در حال تضعیف است و آلودگی هوا نیز ضریب ابتلا به انواع بیماری ها را در او بالا برده است. این نسل، نسل آسیب دیده‌ای است. تورم، آلودگی هوا، تحریم‌ها، بیکاری و انواع تنگناهای دیگر، این نسل را آسیب‌پذیر کرده است. وقتی یک بیمار ریوی به علت آلودگی هوا رنج می کشد تا بمیرد این دردی است که ما به او تحمیل کرده‌ایم. بکوشیم بخشی از آلام این نسل را کاهش دهیم. یکی از کارهایی که توصیه جدی می کنم انجام شـود تخصیص بنزین استاندارد به شهرهای بزرگ اسـت. پیش از تحریم بنزین، پالایشگاه‌های ما بنزین اسـتاندارد تولید می کردند. با تحریم بنزین ما به سوی تولید بنزین غیراسـتاندارد در مجتمع‌های پتروشیمی‌رفتیم. اما پالایشـگاه‌های ما همچنان توان تولید بنزین استاندارد را دارند. لازم است شهرها به دو دسته شهرهای آلوده و غیرآلوده تقسیم شـوند. در شـهرهای بزرگ که حجم ترافیک و بنابراین آلودگی آنها بالاسـت فقط بنزین استاندارد توزیع شود و البته این بنزین می‌تواند با قیمتی بالاتر از سایر شهرها عرضه شود. پیش از آنکه دیر شود و نسل امروز به انواع دردمندی‌های ناشی از آلودگی هوا دچار شود، فکری برای جمعیت ساکن در شهرهای بزرگ و آلوده بشود. توصیه ششم اینکه خواه فاز دوم آغاز شود خواه نه، سیستم تبعیض قیمت را برای بنزین و سایر حامل‌های انرژی اعمال کنیم. نظام بنزین کارتی نشان داد که می‌توان از فناوری‌های مدرن برای بهبود توزیع استفاده کرد. به لحاظ فنی این امکان وجود دارد که قیمت بنزین در شـهرهای مختلف متفاوت باشد و نه‌تنها امکان این وجود دارد که قیمت بنزین برای انواع دسته‌بندی‌های خودرو، بسته به قیمت آنها متفاوت باشد، بلکه حتی می‌توان برای تک‌تک اتومبیل‌هـا، قیمت بنزین متفاوتی اعمال کرد. از قضا با تبعیض قیمتی هم می‌توانیم مصرف سوخت را بیشتر کنترل کنیم و هم امکان کسـب منفعت برای طبقات پایین‌تر را فراهم آوریم. این تبعیض قیمت را در مورد برق، آب و گاز هم می‌توان اعمال کرد. شهرها منطقه‌بندی دارند و می‌توان قیمت‌های مناطق را متفاوت اعمـال کنیم. یعنی علاوه بر قیمت پلکانی که براسـاس میزان مصرف تعیین می‌شود، می‌توان قیمت‌ها را به صورت منطقه‌ای نیز اعمال کرد. با تبعیض قیمت دولت می‌تواند همان درآمد مورد نظر را با شوک کمتری به اقتصاد دریافت کند. ضمن اینکه پیامد توزیعی و رفاهی آن برای فقرا نیز بهتر است. توصیه هفتم اینکه اگر تصمیم قطعی به اجرای فاز دوم هدفمندسازی گرفته شد، در فاز دوم به جای پرداخت نقدی یارانه، نوعی سیستم اعتباری برای خانوارها ایجاد شود. یعنی یارانه‌های فاز دوم به حساب افراد برود اما به صورت اعتبار غیرقابل برداشت در حساب افراد بماند. یا افراد را مختار بگذارند که انتخاب کنند یارانه‌شان به سیستم اعتباری برود یا به سیستم پرداخت نقدی. آنگاه دولت موجودی یا مانده اعتبار این حساب را به‌عنوان ضمانت دریافت وام توسط خانوارها از سیستم بانکی قرار دهد. به این صورت که مثلا پس از شش ماه که یارانه اعتباری به حسابم رفت بتوانم معادل دو برابر کل مبلغ مانده اعتبارم، وام بدون بهره بگیرم و دیگر مراحل پیچیده کنونی وام‌دهی بانک‌ها را هم طی نکنم. و اگر یک‌سال به اعتبارم دست نزنم بتوانم مثلا سه برابر اعتبارم وام بگیرم. این ارقام را من فرضی می‌گویم وباید از نظر مدیریت بانکی دقیقا محاسـبه شود. حالا اگر وام‌گیرنده اقسـاط وامش را به‌موقع نداد، وامش هم مشمول سـود و هم مشـمول جریمه شـود و در آخر کار سود و جریمه مربوطه از حسـاب اعتباری یارانه او برداشت شود و تا زمانی که اصل و سـود وامش تسویه شود یارانه اعتباری به حسابش نرود. متقابلا اگر کسـی اقسـاط وامش را به موقع پرداخت کرد، به او امتیازی تعلق بگیرد که سـقف اعتبارش را بالاتر ببرد و در دوره بعد بتواند وام بیشـتری بگیرد. این سیستم باعث می‌شود مردم کشـورمان را از حالت صدقه‌گیرانی که آخر هر برج چشم‌شـان به دسـت دولت است، تبدیل کنیم به سـرمایه‌گذارانی که حالا می‌روند تا فکری برای یک سرمایه‌گذاری سودآور کنند و بکوشند با پرداخت به‌موقع اقساط‌شـان اعتبار ملی خود را بالا ببرند. بعد از چندسـال این سیستم می‌تواند به یک سیستم اعتبار سنجی کارآفرینی ملی تبدیل شود. از میان ۴۰میلیون جوانی که در کشور هسـتند بالاخره افراد زیادی هستند که ایده‌های خوبی دارند اما سـرمایه ندارند. این سیستم می‌تواند به صورت پشتوانه‌ای برای تبلوریافتن خلاقیت ملی جوانـان عمل کند. این تجربه قبلا در برخی کشورها عمل شده و نتایج خیره‌کننده‌ای داشته است. البته این ایده اولیه اسـت و اگر قرار به اجرایی شـدن باشد باید روی آن خیلی کار شـود. توصیه هشـتم اینکه یک پزشک نمی‌تواند همزمان چند جراحی انجام دهد. اگر دولت معتقد است باید در سیاست خارجی پنجه در پنجه قدرت‌های جهانی بیندازد، فعلا از جراحی اقتصاد داخلی دست بردارد. اگر گمان می کند جراحی اقتصاد داخلی اولویت دارد، بکوشد تنش در مناسبات خارجی را به حداقل برساند و افق و فضای کسب‌وکار را بهبود بخشد. به نظر من امروز بیش از هدفمندسازی، خارج کردن اقتصاد ایران از رکود تورمی‌ضـرورت دارد. در رکود تورمی بیش از همه فقرا می‌بازند. مهم‌ترین پیش‌شـرط خروج اقتصاد ایران از رکود تورمی‌موجود، کاهـش تنش‌های خارجی و بهبود مناسـبات تجاری با خارج و ایجاد نشاط و امید در فضای کسب‌وکار داخل است. اقتصاد ایران اکنـون به بازار ارز و طلا گره خـورده و این دو بازار اکنون نقش «بـازار معیار» را در اقتصاد ایران بازی می کنند – همان نقشـی که در اقتصادهای پیشـرفته بورس بازی می کند. این دو بازار نیز به شدت به تنش‌های خارجی حسـاس است. بنابراین تا زمانی که مناسـبات خارجی ما به یک ثبات بلندمدت نرسد اقتصاد ما روی خوش نخواهد دید. دولت دهم اگر در این یک‌سال باقی‌مانده کاری می‌تواند بکند این باشد که مناسبات اقتصادی و سیاسی با خارج را بهبود بخشد و اعتماد جهانی به ایران را بازگرداند.

و آخرین سخن؟

چندماه پیش متن تحلیلی جدیـدی در نقد اوضاع اقتصاد ایران از سـوی تعدادی از نویسـندگان و ۶۰ استاد اقتصاد آماده شد تا خطاب به مردم ایران و در نقد سیاست‌های جاری اقتصادی منتشر شود. اما تعداد زیادی از این ۶۰ استاد اقتصاد معتقد بودند که هیچ امیدی به تغییر رویه دولت و بهبود رویکردها نیسـت و این کار عبثی است و هیچ توجهی به نظر استادان نخواهد شد و انتشـار این متن چیزی را اصلاح نمی کند و ممکن است حرمت استادان هم شکسته شود. به همین دلیل نهایتا تصمیم بر آن شد که این متن منتشر نشود. این علامت خطر بزرگی است. این روند باید متوقف شود. توقف روند رو به گسترش ناامیدی که اکنون از نسل جوان به گروه‌های مرجع اجتماعی مثل استادان رسیده است بسیار مهم‌تر از اجرای فاز دوم هدفمندسازی است. اگر گروه‌های مرجع اجتماعی خود را از عرصه‌ها کنار بکشند عقلانیت اجتماعی آسیب می‌بیند و جبران پیامدهای آن و بازسازی این امید و اعتماد از دست رفته، گاه چند نسل طول می کشد. پس پیش از آنکه دیر شود، باید کاری کرد و همه باید همت کنیم تا این وضعیت تغییر کند و فضای وفاق بر مناسباتمان حاکم شود. به امید آن روز.

درستایش بزرگان

پری صابری
کارگردان تئاتر

از آنجایـی که روی متون ایرانی کار می کنم و به نظرم اهمیت بسیار ممتازی دارد، هنوز که هنوز است پیشنهاد اولیه‌ام برای تهیه کتاب حافظ، فردوسی، سعدی و مولانا است که دلایل انتخاب هر کـدام را به اختصار توضیح می‌دهم: حافظ: بزرگمرد ادب ایران که آدمی را در کاخ بلند و مجلل و پررمز و راز اندیشـه بشری می‌برد. چنانچه نیچه نیز گفته است: حافظا میخانه‌ای از حکمت بنا کردی که از بزرگ‌ترین کاخ جهان بزرگ‌تر اسـت. هزاران هزار بار در این کاخ جواهرنشان به سیر و سیاحت می‌رویم و باز تشنه می‌مانیم. آری، من نیز همصدای گوته می گویم: ای حافظ آسمانی آرزو دارم که تنها و در کنار تو باشـم زیرا این افتخار زندگی و مایه حیات من اسـت. سـعدی: استاد اخلاق و شعور و شـعار؛ بنی‌آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یـک گوهرند/چو عضوی به درد آورد روزگار/دگر عضوها را نماند قرار... سعدی با کلامی ساده و موثر معنای وحدت وجود و عشق را در نهاد تک‌تک ما نشانده است. خواهی که متمتع شـوی از دنیی و عقبی / با خلق کرم کن چـو خدا با تو کرم کرد. آز بگذار و پادشاهی کن/گردن طمع بلند بود. فردوسی: شناسنامه خلل‌ناپذیر قوم ایرانی و زبان فارسی را که از گزند فرسایش زمان در امان است، به یک‌یک ما ایرانیان هدیه داده است. گامی بلند از زبان بی‌نظیر فارسی برافراشته است که یارای مقاومت بر بلایای طبیعی و تاریخی را دارد. تا زبان فارسی زنده است ما نیز زنده‌ایم. تمدن‌های بزرگی در همسایگی ما وجود داشتند که زبان‌شان را از دست دادند و استحاله قومیت دیگری شدند. بیزانس و مصر نمونه‌های بارزی است. فردوسی ما را در جدال ازلی نیکی و بدی، به سوی خرد راهنمایی می کند. خرد رهنمای و خرد رهگشـای/خرد دست‌گیرد به هر دو سرای/خرد چشم جان است چون بنگری/تو بی‌چشم شادان جهان نسپری... مولوی: مولوی آینه‌دار عصاره عرفان اسلامی است. او ما را به سیر و سلوک می‌برد و درمی‌یابد که به کره خاکی تعلق ندارد و می‌گوید: وطن آنجاسـت که دوست در آنجاست/ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست/به هوای سر و کویش پر و بالی بزنم... اما پرواز تا بر دوست آسان نیست؛ که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها و ما همراه مولانای زاهدان و راز آشنا پر و بال‌ها می‌زنیم تا به حریم حرم دوست نزدیک شویم و کلید اسرار را به دست آوریم. از قفس تنگی‌ها رها شویم و به بارگاه عظمت کبریایی راه یابیم که با قیل و قال، انسان را به خدا راهی نیست. برخیز با من به بزم خدا بیا... مرده بدم زنده شـدم گریه بدم خنده شدم/دولت عشق آمد و من دولت پاینده شـدم. اما جدای از این کتاب ارزشمند پیشنهاد دیگری نیـز دارم، یکی از کتاب‌هایی که در حـال حاضر روی آن کار می کنم، کتاب «کالیگولا» یا تراژدی قدرت اثر آلبر کامو اسـت که از ظرفیت انسـان پا فراتر می‌نهد و او را به کام جنون و نیستی می‌کشاند. چه بزرگانی که در دام قدرت‌های اهریمنی گرفتار آمدند و خود و انسـان‌ها را به تباهی می‌کشاندندو معنای زندگی و عشق را از یاد بردند.

سالن‌هایی که توان اجرای تئاتر ندارند

شـرق: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که مجوز اجرای تئاتر را در سالن‌های سینما صادر کرده است، می‌گوید نظارت بر این سـالن‌ها را هدفمند می‌کند. می‌گوید خیلی خوب است که سالن‌های تئاتر بیشتر شود، فقط باید مراقب بود که خطایی صورت نگیرد. «سیدمحمد حسینی» در گفت‌وگو با «فارس» ضمن استقبال از طرح اجرای تئاتر در سالن‌های سینما گفته است: «هرچه تعداد سالن‌ها بیشتر باشد خوب است ولی باید نظـارت را تقویت کنیم تا انجام شـود اما چون احتمال وقوع اتفاق وجود دارد، اگر بخواهیم مانع آنها شویم درست نیست!»

به اعتقاد حسـینی: «باید از سالن‌های مختلف در سطح شهر اسـتفاده کنیم، زیرا یکی از گلایه‌های هنرمندان تئاتر این اسـت که مجال ارایـه برنامه‌های خـود را ندارند. از این جهت باید همکاری بین معاونت سـینمایی و معاونت هنری در بحث نظارتی وجود داشته باشد تا سالن‌های سینمایی که می‌خواهند این برنامه‌ها را اجرا کنند، ضوابط به آنها ابلاغ شود و گاهی اوقات جلسات و نشست‌هایی برگزار شود تا هماهنگی بیشتری صورت گیرد تا مشکلی پیش نیاید.»

نظارت مقدم بر ارزشیابی

البته اجرای تئاتر در سالن سینما نه موضوع تازه‌ای است و نه طرحی عجیب و غریب. سال‌هاسـت که چندین سـالن سـینمای قدیمی در مرکز شهر به دست گروه‌های تئاتر آزاد اسـت و آنها نیز نمایش‌هایی به شـیوه خودشـان به صحنه می‌آورنـد. در حال حاضر در پایتخت نزدیک به ۲۰ سـینما وجود دارد که در سانس‌های شبانه خود میزبان نمایش‌هایی با عنوان تئاتر آزاد هستند. نمایش‌هایی که هیچ نظارتی از نوع نظارت‌های سخت‌گیرانه‌ای که در نمایش‌های حرفه‌ای که مثلا در تئاترشـهر و تماشاخانه ایرانشهر می‌شود بر آنها نمی‌شود. بیشـتر این نمایش‌هایی که در این سـالن‌ها و سالن‌هایی از این دسـت کـه به تئاتر آزاد اختصـاص دارد و با مجوز مرکز هنرهای نمایشی به صحنه می‌روند داستان منسجمی ندارند و براساس یک تم کلی و براساس بداهه شکل می‌گیرند. شاید هم همین بداهه‌ها که در آنها شـوخی‌های رکیک جنسی و برخی از موضوعات سیاسی روز است باعث رونق برخی از این آثار شـده است. اما نظارتی در این آثار نیست و برعکس آنها بیشتر نظارت بر گروه‌های حرفه‌ای است که آثار قابل تاملی را به صحنه می‌آورند. در چند ماه گذشته کم نبودند آثاری که با نظارت‌های مجدد به دلیل تک کلمه‌ها یا از اجرا پایین آمده‌اند یا با توقیف چندروزه مواجه شـدند. «خشکسالی و دورغ» اثر «محمد یعقوبی» و «افسانه ببر» اثر «هادی عامل» دو نمونه از این نمایش‌ها بودند؛ تعداد کلمات غیرمجاز -به تعبیر سرپرست وقت مرکز هنرهای نمایش- روی هم به اندازه شـوخی‌های غیرمجاز برخی از این نمایش‌ها در یک صحنه نیز نیست. هر چند که وزیر فرهنگ و ارشـاد اسلامی که معتقد است تئاتر، هنری زنده اسـت و ممکن است در اجرا حرف‌هایی زده شود که در متن نبوده است، گفته: «به هر حال مراقبت و نظارت بر آثار نمایشی که در سینماها اجرا می‌شود، وجود دارد تا چنین اتفاقاتی رخ ندهد، اگر هم بوده نباید تکرار شود.»

نکته‌ای که به نظر می‌رسـد به دید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر برنامه‌ریزان فرهنگی نادیده آمده، موضوع خود سـالن است که در بحث نظارت دیده نشده است. جدا از این موضوع که وقتی سالن‌های سینما خودشان برای نمایش فیلم نمی‌توانند امکانات مناسبی را در اختیار علاقه‌مندان قراردهند؛ وقتی سـالن‌های سـینماهای پایتخت هم کفاف جمعیت را نمی‌دهند، آیا سـالن‌های فیلم با عرض کم و نداشـتن عمق صحنـه، نبود امکاناتی چون اتاق گریم و حمام و هزار کمبود دیگر اساسـا چاره‌ای بـرای جبران کمبود سـالن‌های تئاتر هسـتند؟ آیا این راه فراری برای سـاخت سالن‌های جدید و استانداردنیست؟

مرکز هنرهای معاصر ژنو میزبان هفت هنرمند ایرانی

شـرق: رونـد برپایـی نمایشگاه‌های هنرمندان جـوان ایرانـی در موزه‌ها و مراکـز معتبـر هنری اروپـا، رشـد شـتابناکی گرفته اسـت. همین امر کارشناسان و دوستداران هنـر معاصر ایـران را به آینـده خـوش آن دلگرم کرده اسـت. اخیرا مرکز هنرهـای معاصـر ژنـو (باک) میزبـان عکس‌ها و چیدمان‌های صادق تیرافکن و شـش هنرمند ایرانی بود که استقبال مناسبی از سـوی هنردوستان قاره سبز از آن به‌عمل آمد. تیرافکن که با به تصویر کشیدن داستان رستم و سـهراب، اثرش را در نمایشگاه «بازماندگان» سوییس به نمایش گذاشت، درباره این نمایشگاه گفت: «این نمایشگاه توسط خانم مژگان انجوی برپا شده. در اثرم داستان رستم و سهراب را به‌عنوان موضوع این نمایشگاه که «بازماندگان» اسـت، به تصویر کشـیده‌ام.» این هنرمند و عکاس درباره اثری که در این نمایشـگاه به نمایش گذاشته است، گفت: «سوژه کار من با عنوان «بازماندگان» که نام این نمایشگاه است، همخوانی دارد. تمام اثرم در مورد نبردهایی است که در داستان‌های اسـطوره‌ای ما ایرانیان وجود دارد.» وی در ادامه گفت: «داستان اثرم درباره نبرد رستم و سهراب است که در خاتمه رستم بازمانده است ولی در اصل یک بازمانده شکست خورده. در اصل، داستان را به صورت نبرد دو انسان به تصویر کشیده‌ام که در نبرد بازمانده و برنده جنگ، قهرمان داستان نیست چون پسرش را از دست داده است.» تیرافکن گفت: «بازماندگان» یعنی باقی‌ماندن کسـانی که از یک واقعـه و جنگ یا هر چیزی که پایان آن ماجرا باشد. در این نمایشگاه هر کـدام از مـا بازمانده‌های یک سرنوشت یا ماجرا را به تصویر کشیده‌ایم.» در این نمایشگاه همچنین به همـراه عکس‌های صادق تیراکفـن، چیدمانـی از هومن مرتضوی، مجموعه آثار «شکوفه نو» از امیر فرهاد، نقاشی‌های وحید جعفرنژاد و یاسـر میرزایی و کار مشـترکی از علی ناجیـان و رامیار منوچهرزاده در سـالن هنر معاصر ژنو به نمایش درآمد. به گفته مژگان انجوی، هنرمندان این نمایشگاه، هریک بازمانده یک نوع هراس هستند و با وجود تجربیات زندگی متفاوت در یک نقطه به هم پیوند خورده‌اند. انجوی پیش از این هم آثار سه هنرمند جوان ایرانی را به عنوان نمایندگان هنر معاصر ایران به درخواست اداره فرهنگی شهرداری ژنو در مجموعه هنرهای معاصر سـوییس به نمایش گذاشـته بود. در آن نمایشگاه، آثاری از الناز جوانی، زهرا حسینی و مریم اشکانیان در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفت. این هنرمندان جوان با اسـتفاده از هنر اصیل ایرانی همچون سـوزن‌دوزی و کار روی پارچه، هنر آوانگارد را به نمایش گذاشـتند. بنابر نظر کارشناسان این نمایشگاه، آثار این سه هنرمند راهی است برای خروج از کلیشه. همان‌طور که از آثار هنرمندان معاصر خاورمیانه انتظار می‌رود، این آثار ماهیت پویا و واقعی حال حاضر هنر ایران را به نمایش گذاشته‌اند.

دونده نیمه تمام در شبکه دو

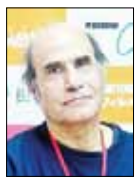

شـرق: پخش فیلم دونده امیر نادری بعد از ۱۵ سال در شـبکه دوم سیما ناتمام ماند. بازپخش برنامه مربوط به فیلم «دونده» که با نقد و بررسی فریدون جیرانی و علی معلم ضبط و پخش شده بود به عنوان یکی از بهترین و پراعتبارترین آثار تاریخ سینمای ایران نیمه‌کاره رها شد و مستندی درباره ماهیگیری به‌جای آن روی آنتن رفت.

سهراب هادی در بیمارستان

مهر: سهراب هادی که به دلیل سانحه برق‌گرفتگی در بیمارستان بستری شده وممکن است دو انگشت خود را از دست بدهد. این هنرمند نقاش و مدیر انتشارات موسسه تنظیم و نشـر آثار امام خمینی (ره) در پی سانحه برق‌گرفتگی در منزلش، در بیمارستان سوانح و سوختگی بستری شده است.

اثر دیده‌نشده از «تنسی ویلیامز» در بوستن

شرق: «۱۰ بلوک در کامینو رئال» از تنسی ویلیامز که شاید کمتر کسـی نام آن را شنیده باشد، قرار است در بوستون به روی صحنه برود. او این اثر را در سال ۱۹۴۶ به نگارش درآورد. اقتباس نمایشی «۱۰ بلوک در کامینو رئال» یک‌بار در سـال ۱۹۵۳ در «برادوی» اجرا شدو اکنون پس از ۶۰ سال، قرار است طی سه روز در بوستون به روی صحنه برود.

انتقاد سینماداران به کیفیت پایین فیلم‌ها

سینماها به‌تدریج از بین خواهند رفت

ایـن روزها سـینماگران از هر طرف مـورد انتقاد قرار می‌گیرند، در آخرین پرده از این مجموعه انتقادها می‌توان به گفت‌وگوی رییس انجمن سـینماداران اشاره کرد. وی در گفت‌وگو با ایسـنا گفته اسـت: «تـا وقتی که وضعیت فیلم‌هایمان این‌گونه باشد نمی‌توانیم امیدی به بهتر شدن وضعیت سالن‌های سینما و استقبال مخاطبان داشته باشیم چراکه لازمه ارتباط خانواده‌ها با سینما، فیلم‌های خوب با سوژه‌های مناسب اسـت.» هرچند «محمدقاصد اشرفی» فراموش کرده است که انگار تعداد زیادی از فیلم‌ها در پشت سد دریافت مجوز اکران قرار گرفته‌اند. وی در پاسخ به این پرسش که وضعیت فعلی سالن‌های سینما را چگونه ارزیابی می‌کند، اظهار کرد: «طبیعتا یکی از موثرترین دلایل ارتباط خانواده‌ها با سینما، فیلم‌های خوب است. اگر سینماگران و مسـوولان فرهنگی نتوانند خوراک مناسب شامل فیلم خوب و سـوژه مناسـب را برای خانواده‌ها فراهم کنند، با سرنوشتی که اکنون می‌بینید مواجه خواهیم شد. وی ادامه داد: معتقدم دلیل فروش نداشتن سالن‌های سینما در حال حاضر، این اسـت که فیلم خوبی نداریم. اگر بنشینیم و با دقت فیلم‌ها را مشاهده کنیم، خودمان متوجه می‌شویم که چرا مخاطب راضی نمی‌شود به سینما بیاید. طبیعتا مخاطب وقتی می‌بیند از سالن سینما راضی خارج نمی‌شود ترجیح می‌دهد در این وضعیت اقتصادی، ترافیک سنگین شهری و... زمـان خود را تلف نکنـد.» رییس هیات‌مدیره انجمن سـینماداران در ادامه سـخنانش، وضعیت نابسامان فعلی سـینماها را باعث رونق گرفتن کار شـبکه‌های ماهواره‌ای دانسـت و عنوان کرد: «در حـال حاضر فیلم‌های ضعیف سـینمایی ما باعث شده است که شـبکه‌های ماهواره‌ای گسـترش یابند و بتوانند با برنامه‌ریزی‌شان امنیت و ریشه مذهبی خانواده‌های ایرانی را هدف قرار دهند. در مقابل این مشـکل که در سال‌های آینده خود را بیشتر نشان خواهد داد، سینماگران هم باید برنامه‌ریزی درستی داشته باشند و علاوه بر اتاق فکر، اتاق فیلتر هم داشته باشند تا برنامه‌ریزی شبکه‌های ماهواره‌ای برای خانواده‌ها را دقیقا رصد کرده و برای مقابله با آن فکری کنند. نباید وضعیت این‌گونه باشد که هر فیلمنامه‌ای ارایه شـد، مجوز ساخت بگیرد، اگرچه مسـوولان ما بسیار دلسوز هسـتند اما باید در روند کارها کمی بازنگری کنند. به نظرم زمان آن فرا رسیده است که مسـوولان بتوانند با برنامه‌ریزی دقیق نیاز جامعه را رصد کرده و مخاطبان سینما را نیازسنجی کنند.» این سینمادار در بخش دیگری از سـخنانش به وضعیت بسیار نامناسب فروش در سینماهای کشور اشاره کرد و گفت: «اکنون با این وضعیتی که سینمای ایران دارد، ما سینماداران نمی‌دانیم چه‌کار کنیم. معتقدم که این‌گونه سینماها به تدریج از بین خواهند رفت.»

رییس هیات‌مدیره انجمن سینماداران با اشاره به اینکه اکنون مشکل بزرگ ما، هزینه‌های سرسام‌آور سینماهاست، اظهار کـرد: پس از آنکه یارانه حامل‌های انرژی برداشـته شد، در مقاطع مختلف قرار بود برای سینماها که مراکزی فرهنگی هستند، فکری شود اما متاسفانه این اتفاق نیفتاد و اکنون سینماها فروش بسیار اندک خود را هم برای هزینه‌ها به دولت و شهرداری پرداخت می‌کنند. ما به عنوان مثال از آقای دکتر قالیباف (و مسوولان نهادهای دیگر) می‌خواهیم هزینه‌هایی که به سینما اضافه کرده‌اند را حذف کنند چراکه اگر به این موضوع رسـیدگی نشود بسـیاری از سینماها تعطیل خواهند شـد. اشرفی در ادامه سخنانش با انتقاد از اینکه گاهی برای مشـکلات سینما تصمیمات کارشناسی گرفته نمی‌شـود، تصریح کرد: سینماداری با طلافروشی و بزازی متفاوت اسـت. ما نمی‌توانیم مشکلات‌مان را مانند صنف‌های دیگر عریان کرده و به همه نشان دهیم؛ چراکه نمی‌خواهیم برای جامعه سینمایی ایجاد ناامنی کنیم، اما از سویی دیگر سـعی می‌کنیم پشت پرده، مشکلات را به اطلاع مسوولان برسانیم. وی ادامه داد: یکی از مشکلات ما این است که متاسفانه درباره سینما تصمیمات کارشناسی گرفته نمی‌شود. به عنوان مثال در چند سال گذشته سینما بعد تجاری خود را از دسـت داده و شکلی فرهنگی گرفته است، در صورتی که وجه تجاری سینما می‌توانست باعث تقویت وجه فرهنگی آن هم بشود؛ اما عده‌ای دوست داشتند به بهانه تقویت وجه فرهنگی، وجه تجاری را از بین ببرند و امروز ما به این وضعیت رسیده‌ایم که در پرداخت بخشی از هزینه‌ها، تجاری هستیم و در بخش دیگر فرهنگی!

این سینمادار با طرح پرسشی مبنی بر اینکه در شرایط پیش رو چه کاری از دست مدیران سینما برمی‌آید، گفت: در حال حاضر تهیه‌کننـدگان و کارگردانان به دلیل ترس از اینکه سرمایه‌گذاری‌شان با مشکل مواجه شود، می‌توانند فیلم نسازند اما سینمادار چه راه‌حلی پیش‌رو دارد؟ ما چگونه باید از سرمایه‌مان محافظت کنیم؟

محمد قاصد اشـرفی در پایان سخنانش بیان کرد «از همه نهادهای ذی‌ربط درخواسـت می‌کنیـم که در کنار وزارت ارشاد، برای مشکل فعلی سالن‌های سینما راه‌حلی پیدا کنند.»

گزارش تصویری

پس از گذشت چهل روز از درگذشت دکتر سیمین دانشور وصیت نامه این نویسنده منتشر شد. در این وصیت نامه دکتر دانشور، لیلی ریاحی خواهر زاده خود را سرپرست اموال و مسئول انتشار آن ها کرده است و اعلام کرده است که ایشان می تواند ثلث مالش را دریافت کند. ایشان می تواند براساس این وصیت قرارداد آثار دانشور را در دست ناشران مختلف تمدید یا لغو کند.

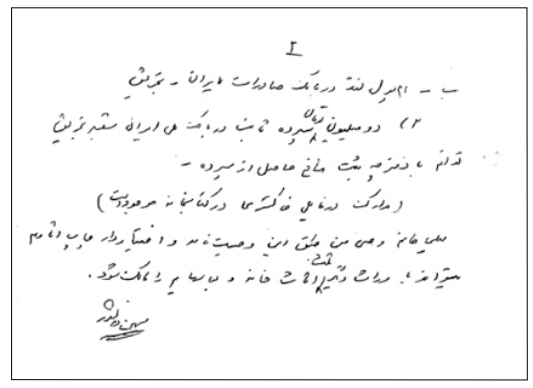

هنرمندانی چون تناولی، امدادیان، دارش، سینایی، لاهوتی، وزیری‌تبار و... مجسمه‌های خود را برای دومین سالروز درگذشت معصومه سیحون در این گالری به نمایش می‌گذارند. این نمایشگاه موضوع خاصی ندارد اما تعدادی از هنرمندان مجسمه‌ساز به احترام زنده‌یاد سیحون سوژه‌هایی سمبلیک مربوط به این گالری‌دار خلق کرده‌اند. در دومین اردیبهشت پس از درگذشت معصومه سیحون حدود ۳۰ مجسمه به نمایش درخواهد آمد.

نمایشگاه مروری بر آثار پاپ‌آرت، اُپ‌آرت از گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران و آثارچاپی هنرمندان معاصر مکزیک که این آثار از سوی موزه ملی چاپ این کشور به موزه هنرهای معاصر تهران اهدا شده است، سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت ساعت ۱۷ با حضور مقامات فرهنگی- هنری، مسوولان، استادان و هنرمندان در موزه هنرهای معاصر تهران افتتاح می‌شود. پاپ‌آرت از جنبش‌های هنری دهه ۶۰ میلادی است که این جریان همه ارزش‌های ذهنی و نظری‌ای را که مورد ستایش نقاشان انتزاعی آن زمان بود، نفی کرده و به جای آن به بازشناسی، تحلیل و گاه صرفا شناسایی فرهنگ مصرفی جامعه پرداخت.

آینه های روبه رو

اشاره‌ای به ـ فقط ـ چند مشکل نقد فیلم

چه بنویسیم؟ چه بخوانیم؟

حسین معززی‌نیا

■ مشـکلاتی که نقد فیلم امروز ما دارد با مشـکلاتی که چیزهای دیگرمان دارد تفاوت چندانی ندارد:

ـ نقد فیلم به‌کلی از جایگاه تخصصی خودش خارج شده و به عملی تبدیل شده که هرکسی با هر اندازه مهارتی در هر زمینه‌ای مرتکبش می‌شود. اساسا این پیش‌فرض که منتقد فیلم باید مقدماتی درباره هنر، درباره ادبیات داستانی، درباره مبانی درام و درباره تاریخ سینما بداند به‌کلی منتفی دانسته شده و این روزها کسانی که حتی یک فیلم مهم کلاسیک ندیده‌اند سـاعت‌ها درباره فیلم‌ها یا سـریال‌های داخلی و خارجی حرف‌های مهمل می‌زنند.

ـ رونـق بیش از پیش رسـانه‌های مجازی باعث شـده پیدایش و رشد «منتقد حرفه‌ای» دشوار شود. وقتی هرکس می‌توانـد نظرش را درباره هـر محصول صوتی تصویری در کسـری از ثانیه منتشـر کند، دیگر حوصله به خرج دادن و زحمت کشـیدن برای رسـیدن به درجه «منتقد فیلم» موضوعیت ندارد. دیگر توانایی «نوشتن» از پیش‌شرط‌های حرفـه نقد فیلم حذف شـده. منتقد نسـل امـروز تصور می‌کند به کسـی می‌گویند منتقد که بتواند درباره فیلم‌ها «نظر» بدهد. در نتیجه آدم‌هایی که هرگز نتوانسته‌اند یک پاراگراف نوشته سالم و جذاب بنویسند، از طریق تلویزیون یا تریبون‌های دیگر، ساعت‌ها نظرشان را درباره سینما به اطلاع ما می‌رسانند؛ کسانی که نه نوشتن آموخته‌اند، نه «خواندن» و نه احتمالا «دیدن».

ـ مضمون‌زدگی بزرگ‌ترین دشـمن نقد فیلم اسـت. بیماری وخیمی است که منتقد را به‌سرعت از درجه اعتبار سـاقط می‌کند. تمام سـال‌های دهه ۶۰ صرف مداوای این بیماری و واکسـینه کردن نسل بعد در مقابل آن شد. ولی الان چند سالی است این خوره دوباره به جان کسانی افتاده که درباره سینما می‌نویسند یا حرف می‌زنند. و جالب اینکه دوباره مثل دهه ۶۰، هم گروهی از روشنفکران به این بیماری مبتلا شده‌اند و هم گروهی از آنها که خودشان را وابسته به طیف «ارزشی» می‌دانند.

ـ شجاعت، صراحت و صداقت شرط لازم و غیرقابل انکار نقد فیلم اسـت. در حال دعوت به رعایت سجایای اخلاقی نیستم؛ منتقد باید شجاع، صریح و صادق باشد. لزوما معنای اخلاقی این سـه صفت در ذهنم نیست، بلکه معتقدم نقد فیلم به شکل تخصصی به این سه ویژگی نیاز دارد وگرنه نه خاصیتی دارد و نه تاثیر خواهد گذاشت. اوضاع و احوال امروز ما کمتر مجال بروز به این سه ویژگی می‌دهد. شاید به دلیل غم نان، شاید به دلیل رعایت مصلحت‌ها، وفاداری به رفاقت‌ها یا اعتقاد به دستمال نبسـتن دور سری که درد نمی‌کند... هرچه که هسـت، منتقد واجد این سه صفت کمتر داریم. در نتیجه متن‌هایی تولید می‌شود که خواندن یا نخواندنش تفاوتی ندارد.

ـ بعضی از مشکلات هم از حوزه بزرگ‌تر وارد این حوزه کوچک‌تر می‌شود؛ یعنی از خود سینمای ایران. وقتی کلیت سینمای ما گیج و منگ است، وقتی وضع تشکل صنفی‌مان این اسـت و وضـع معاونت سـینمایی‌مان آن، وقتی وضع اکران‌مان این است و وضع فروش‌مان آن، وقتی وضع شورای اکران این است و وضع اتحادیه تهیه‌کنندگان آن، وقتی امروز می‌گویند اکرانش کنید، فردا می‌گویند فعلا بایگانی‌اش کنید، وقتی خانه سینما یک هفته‌ای تعطیل می‌شود و برنامه هفت یک‌شبه... نتیجه‌اش هم این می‌شود که منتقد و نظریه‌پرداز این سـینما به فیلم دولتی می‌گویـد خصوصی و به فیلم خصوصی می‌گوید دولتی، بـه فیلم مبتذل می‌گوید فیلم دینی و به فیلم دینی می‌گوید فیلم اجنبی‌پسند و الی آخر. در این اوضاع و احوال مغشوش اصلا منتقد چرا باید بنویسد و خواننده چرا باید بخواند؟

ادامه از صفحه ۱۱

نگاهی به بگو مگوهای اطراف برنامه «هفت»

مرگ همسایه

■ همان‌طور که در ابتد